

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Human Rights

afgazad@gmail.com

حقوق بشر

نویسنده: کریس هجز
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۰۷ فیروزی ۲۰۲۵

نسل کشی به سبک غربی



غزه به ویرانه‌ای با ۵۰ میلیون تن آوار تبدیل شده است. موش‌ها و سگ‌ها در میان خرابه‌ها و گودال‌های متعفن فاضلاب‌های تصفیه‌نشده به دنبال غذا می‌گردند. بوی تعفن و آلودگی ناشی از اجساد در حال تجزیه از زیر تپه‌های بتون خرد شده به مشام می‌رسد. آب آشامیدنی وجود ندارد. غذای کمی هست. کمبود شدید خدمات پزشکی و پناهگاه‌های قابل سکونت. فلسطینی‌ها در معرض خطر مرگ ناشی از مهمات منفجر نشده‌ای هستند که پس از بیش از ۱۵ ماه بمباران هوایی، حملات توپخانه‌ای، اصابت راکت‌ها و انفجارهای تانک‌ها باقی مانده‌اند، و همچنین مواد سمی مختلف مانند گودال‌های فاضلاب تصفیه‌نشده و آزیست.

هیپاتیت A که ناشی از مصرف آب آلوده است، به شدت شیوع پیدا کرده، و همچنین بیماری‌های تنفسی، گال، سوءتغذیه، گرسنگی و حالت تهوع و استفراغ گسترده ناشی از مصرف غذای فاسد. افراد آسیب‌پذیر، از جمله کودکان و سالمندان، همراه با بیماران، با حکم مرگ روبه رو هستند. حدود ۱.۹ میلیون نفر آواره شده‌اند که ۹۰٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در چادرهای موقتی، میان تکه‌های بتون یا در فضای باز زندگی می‌کنند. بسیاری مجبور شده‌اند بیش از ده بار نقل مکان کنند. نه از هر ده خانه تخریب یا آسیب دیده‌اند. ساختمان‌های آپارتمانی، مدارس، بیمارستان‌ها، نانوائی‌ها، مساجد، دانشگاه‌ها – اسرائیل دانشگاه الاسراء در شهر غزه را در یک تخریب کنترل‌شده منفجر کرد –

گورستان‌ها، مغازه‌ها و دفاتر با خاک یکسان شده‌اند. نرخ بیکاری ۸۰٪ است و تولید ناخالص داخلی تقریباً ۸۵٪ کاهش یافته است، بر اساس گزارشی در اکتوبر ۲۰۲۴ که توسط سازمان بین‌المللی کار منتشر شده است.

ممنوعیت اسرائیل برای ورود سازمان کار و کمک‌های عمومی سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک – (UNRWA) که تخمین می‌زند پاکسازی غزه از آوارهای باقی‌مانده ۱۵ سال طول بکشد – تضمین می‌کند که فلسطینی‌های غزه هرگز به کمک‌های بشردوستانه اولیه، غذای کافی و خدمات دسترسی نخواهند داشت. برنامه توسعه سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که بازسازی غزه بین ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و در صورت تأمین بودجه لازم، تا سال ۲۰۴۰ طول خواهد کشید. این بزرگترین تلاش برای بازسازی پس از جنگ از زمان پایان جنگ جهانی دوم خواهد بود.

اسرائیل، که توسط ایالات متحده، آلمان، ایتالیا و بریتانیا با میلیارد‌ها دلار سلاح تأمین شده است، این جهنم را ایجاد کرده است. و قصد دارد آن را حفظ کند. غزه همچنان تحت محاصره خواهد بود. پس از موج اولیه تحویل کمک‌ها در آغاز آتش‌بس، اسرائیل دوباره به شدت کمک‌های حمل‌شده توسط کامیون‌ها را کاهش داده است. زیرساخت‌های غزه بازسازی نخواهند شد. خدمات اولیه آن، مانند تصفیه خانه‌های آب، برق و فاضلاب، تعمیر نخواهند شد. جاده‌ها، پل‌ها و مزارع تخریب شده آن بازسازی نخواهند شد. فلسطینی‌های ناامید مجبور خواهند شد بین زندگی مانند غارنشینان، اردو زدن میان تکه‌های نامنظم بتن، مردن از بیماری، گرسنگی، بمب و گلوله، یا تبعید دائمی یکی را انتخاب کنند. این‌ها تنها گزینه‌هایی هستند که اسرائیل ارائه می‌دهد.

اسرائیل معتقد است، احتمالاً بدرستی، که با گذشت زمان زندگی در نوار ساحلی آنقدر طاقت‌فرسا و دشوار خواهد شد، به ویژه زمانی که اسرائیل بهانه‌هایی برای نقض آتش‌بس و از سرگیری حملات مسلحانه علیه جمعیت فلسطینی پیدا کند، که خروج گسترده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حتی با وجود آتش‌بس، اسرائیل از ورود رسانه‌های خارجی به غزه خودداری کرده است، ممنوعیتی که برای جلوگیری از پوشش رنج و مرگ هولناک طراحی شده است.

فاز دوم نسل‌کشی اسرائیل و گسترش «اسرائیل بزرگ» – که شامل تصرف بیشتر سرزمین‌های سوریه در بلندی‌های جولان (و همچنین درخواست‌هایی برای گسترش به دمشق)، جنوب لبنان، غزه و کرانه باختری اشغالی می‌شود – در حال تثبیت است. سازمان‌های اسرائیلی، از جمله سازمان راست افراطی ناحالا، کنفرانس‌هایی برای آماده‌سازی استعمار یهودی غزه پس از پاکسازی قومی فلسطینی‌ها برگزار کرده‌اند. شهرک‌های یهودی‌نشین در غزه به مدت ۳۸ سال وجود داشتند تا این که در سال ۲۰۰۵ تخریب شدند.

واشنگتن و متحدانش در اروپا هیچ کاری برای متوقف کردن کشتار گسترده‌ای که به طور زنده پخش می‌شود، انجام نمی‌دهند. آن‌ها هیچ کاری برای جلوگیری از گرسنگی و بیماری فلسطینی‌های غزه و در نهایت خالی شدن آن از سکنه انجام نخواهند داد. آن‌ها در این نسل‌کشی شریک هستند. آن‌ها تا زمانی که نسل‌کشی به نتیجه غم‌انگیز خود برسد، شریک باقی خواهند ماند.

اما نسل‌کشی غزه تنها آغاز است. جهان در حال فروپاشی تحت تأثیر بحران آب‌وهوایی است که باعث مهاجرت‌های گسترده، دولت‌های شکست‌خورده و آتش‌سوزی‌های جنگلی، طوفان‌ها، سیل‌ها و خشکسالی‌های فاجعه‌بار می‌شود. با فروپاشی ثبات جهانی، ماشین ترسناک خشونت صنعتی که فلسطینی‌ها را نابود می‌کند، همهجا حاضر خواهد شد. این حملات، مانند غزه، به نام پیشرفت، تمدن غربی و «فضایل» ادعایی ما برای سرکوب آرمان‌های آن‌ها، که بیشترشان افراد فقیر و رنگین‌پوست هستند که غیرانسانی شده‌اند و مانند حیوانات دور انداخته شده‌اند، انجام خواهد شد.

نابودی غزه توسط اسرائیل نشان‌دهنده مرگ نظم جهانی است که توسط قوانین و هنجارهای توافق‌شده بین‌المللی هدایت می‌شد، نظمی که اغلب توسط ایالات متحده در جنگ‌های امپریالیستی خود در ویتنام، عراق و افغانستان نقض شد، اما حداقل به عنوان یک آرمان آرمان‌شهری شناخته می‌شد. ایالات متحده و متحدان غربی آن نه تنها سلاح‌هایی برای حفظ نسل‌کشی تأمین می‌کنند، بلکه مانع از درخواست اکثر کشورها برای رعایت حقوق بشر دوستانه می‌شوند.

پیامی که این ارسال می‌کند واضح است: تو، و قوانینی که فکر می‌کردی ممکن است از تو محافظت کنند، برای ما مهم نیستند. ما همه چیز را داریم. اگر سعی کنی آن را از ما بگیری، تو را خواهیم کشت.

پهپادهای نظامی‌شده، هلیکوپترهای جنگی، دیوارها و موانع، ایست‌های بازرسی، سیم‌خاردار، برج‌های دیده‌بانی، مراکز بازداشت، اخراج‌ها، خشونت و شکنجه، رد ویزای ورود، آپارتاید ناشی از نداشتن مدارک، از دست دادن حقوق فردی و نظارت الکترونیک برای مهاجران ناامید در مرز مکزیکو یا کسانی که سعی می‌کنند به اروپا وارد شوند، به همان اندازه آشنا هستند که برای فلسطینی‌ها هستند.

اسرائیل، که همان‌طور که رونن برگمان در «برخیز و اول بکش» اشاره می‌کند، «بیشتر از هر کشور دیگری در جهان غرب مردم را کشته است»، از هولوکاست نازی برای تقدیس قربانی‌سازی موروثی خود و توجیه دولت استعماری شهرک‌سازی، آپارتاید، کمپین‌های کشتار جمعی و نسخه صهیونیستی از «فضای حیاتی» استفاده می‌کند.

پریمو لوی، که از آشویتس جان سالم به در برد، به همین دلیل شوآه را به عنوان «منبع بی‌پایان شرارت» می‌دید که «به عنوان نفرت در بازماندگان تداوم می‌یابد و به هزاران شکل، خلاف میل همه، به عنوان تشنگی برای انتقام، شکست اخلاقی، انکار، بیزاری و تسلیم ظاهر می‌شود.»

نسل‌کشی و کشتار جمعی تنها مختص آلمان فاشیست نیست. آدولف هیتلر، همان‌طور که آیمه سزایر در «گفتاری درباره استعمار» می‌نویسد، تنها به این دلیل بی‌رحم به نظر می‌رسید که بر «تحقیر انسان سفیدپوست» رهبری می‌کرد. اما نازی‌ها، همان‌طور که او می‌نویسد، تنها «روش‌های استعماری را به کار بردند که تا آن زمان منحصرأ برای عرب‌های الجزایر، کارگران هندی و سیاه‌پوستان آفریقا اختصاص داشت.»

کشتار هررو و ناماکوا توسط آلمان، نسل‌کشی ارمنی‌ها، قحطی بنگال در سال ۱۹۴۳ – که وینستون چرچیل، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، مرگ سه میلیون هندی را در قحطی با بی‌تفاوتی «مردمی وحشی با دینی وحشیانه» خواند – همراه با پرتاب بمب‌های اتمی بر روی اهداف غیرنظامی هیروشیما و ناگازاکی، چیزی اساسی درباره «تمدن غربی» را نشان می‌دهد. همان‌طور که هانا آرنهت فهمید، یهودستیزی به تنهایی منجر به شوآه نشد. این پتانسیل ذاتی نسل‌کشی دولت بوروکراتیک مدرن بود که لازم بود.

«در ایالات متحده»، لنگستون هیوز، شاعر، گفت: «ما سیاه‌پوستان نیازی نداریم که به ما گفته شود فاشیسم در عمل چیست. ما می‌دانیم. نظریه‌های برتری نوردیک و سرکوب اقتصادی برای ما مدت‌ها واقعیت بوده‌اند.»

ما نه به دلیل فضایل برترمان، بلکه به این دلیل که کارآمدترین قاتل‌های سیاره هستیم، بر جهان تسلط داریم. میلیون‌ها قربانی پروژه‌های امپریالیستی نژادپرستانه در کشورهایی مانند مکزیکو، چین، هند، کنگو، کنیا و ویتنام، نسبت به ادعاهای بیهوده یهودیان مبنی بر منحصر به فرد بودن وضعیت قربانی‌شان کر هستند. ما همین کار را با سیاه‌پوستان، رنگین‌پوستان و بومیان آمریکا انجام می‌دهیم. آن‌ها نیز هولوکاست‌هایی را تجربه کردند، اما این هولوکاست‌ها همچنان توسط عاملان غربی آن‌ها کم‌اهمیت شمرده می‌شوند یا به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

«این رویدادها که در حافظه زنده رخ دادند، فرض اساسی هر دو سنت مذهبی و روشنگری سکولار را زیر سؤال بردند: «این که انسان‌ها ذاتاً «اخلاقی» هستند»، پانکاج میشر در کتاب خود «جهان پس از غزه» می‌نویسد. «این شک

خورنده که آن‌ها این‌گونه نیستند، اکنون بشدت گسترده است. افراد بسیار بیشتری از نزدیک شاهد مرگ و نقص عضو بوده‌اند، تحت رژیم‌های بی‌احساسی، ترس و سانسور؛ آن‌ها با شوک تشخیص می‌دهند که همه چیز ممکن است، که یادآوری جنایات گذشته تضمینی برای عدم تکرار آن‌ها در حال حاضر نیست، و که پایه‌های حقوق بین‌الملل و اخلاق به هیچ وجه ایمن نیستند.»

کشتار جمعی به همان اندازه بخشی جدائی‌ناپذیر از امپریالیسم غربی است که شوآه. این کشتار از همان بیماری برتری سفیدپوستان و این باور تغذیه می‌کند که جهان بهتر بر اساس زیردست کردن و ریشه‌کن کردن نژادهای «پست‌تر» ساخته می‌شود.

اسرائیل تجسم دولت قوم‌ملی‌گرایی است که راست افراطی ایالات متحده و اروپا آرزوی ایجاد آن را برای خود دارد، دولتی که کثرت‌گرایی سیاسی و فرهنگی و همچنین هنجارهای قانونی، دیپلماتیک و اخلاقی را رد می‌کند. اسرائیل توسط این پیش‌فاشیست‌ها، از جمله ملی‌گرایان مسیحی، تحسین می‌شود زیرا به حقوق بشر دوستانه پشت کرده است تا از نیروی کشنده بی‌امان برای «پاکسازی» جامعه خود از کسانی که به عنوان آلاینده‌های انسانی محکوم شده‌اند، استفاده کند.

اسرائیل و متحدان غربی آن، همان‌طور که جیمز بالدوین دید، به سمت «احتمال وحشتناک» حرکت می‌کنند که قدرت‌های مسلط «که برای حفظ آنچه از اسیران خود دزدیده‌اند تلاش می‌کنند و قادر به نگاه کردن به خود در آئینه نیستند، آشوبی در سراسر جهان ایجاد خواهند کرد که اگر به زندگی در این سیاره پایان ندهد، جنگی نژادی را به وجود خواهد آورد که جهان هرگز نظیر آن را ندیده است.»

آنچه کم است دانش نیست – فریبکاری ما و اسرائیل بخشی از سوابق تاریخی است – بلکه شجاعت برای نام بردن از تاریکی‌مان و توبه کردن است. این کوری داوطلبانه و فراموشی تاریخی، این امتناع از پاسخگویی در برابر حاکمیت قانون، این باور که ما حق داریم از خشونت صنعتی برای اعمال اراده خود استفاده کنیم، نشان‌دهنده آغاز، نه پایان، کمپین‌های کشتار جمعی شمال جهانی علیه لشکرهای فزاینده فقرا و آسیب‌پذیران جهان است.

* - کریس هجز نویسنده و روزنامه‌نگار برنده جایزه پولیتزر است. او به مدت پانزده سال به عنوان خبرنگار خارجی برای نیویورک تایمز کار کرد.

[۰۶ فبروری ۲۰۲۵](#)